



نشرکانه



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه : کاپی، ویلیام جیکوب، ۱۸۸۴-۱۹۴۹ م. Cuppy, William Jacob
عنوان و نام پدیدآور : چنین کنند بزرگان / ویل کاپی؛ ترجمه نجف دریابندری؛ با
طرح‌هایی از بهرام دبیری.
مشخصات نشر : تهران: نشر کارنامه، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری : ۲۲۴ ص؛ مصور؛ ۱۲ × ۲۰ س.م.
فروست : کارنامه ادبیات؛ ۲۰
شابک : ISBN 978-964-431-129-1
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا.
یادداشت : این کتاب ترجمه بخش‌هایی از *The Decline and Fall of Practically Everybody* است.
یادداشت : کتاب حاضر در سال‌های متفاوت توسط ناشران مختلف منتشر شده است.
موضوع : تاریخ—شوخی‌ها و بذله‌گویی‌ها.
History—Humor
شناسه افزوده : دریابندری، نجف، ۱۳۰۸-۱۳۹۹، مترجم.
شناسه افزوده : دبیری، بهرام، ۱۳۲۹-، طراح.
رده‌بندی کنگره : D ۱۰
رده‌بندی دیویی : ۹۰۲/۰۷
شماره کتاب‌شناسی ملی : ۹۲۵۴۱۳۹
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی : فیبا.



کارنامه ادبیات

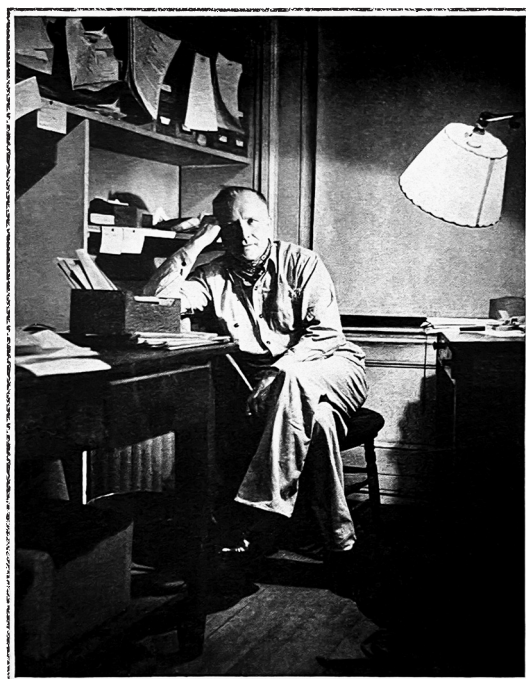


به یاد محمد زهرایی

• ۱۳۹۲-۱۳۲۸ •

بنیان‌گذار نشر کارنامه

چندین بزرگان



از آخرین عکس‌های ویل کاپی (۱۸۸۴-۱۹۴۹) در آپارتمانش در نیویورک



تهران ۱۴۰۳



ویل کابی ترجمه نجف دریابندری



آماده سازی کارگاه نشرکارنامه

واحد ویرایش سمیه متمر و مینو مدنی
حروف چینی و صفحه آرایی زهره جعفرپور، شهلا شمس و عادل قشقایی

واحد گرافیک 12 استودیو دوازده و دوازده
فریبا رهدار و مائده علیپور

طرح ها و عنوان فصل ها بهرام دبیری
طراحی عنوان و جلد سهیل حسینی

ناظر چاپ محسن حقیقی
لیتوگرافی فرایند گویا
چاپ چکاد چاپ
صحافی علی

چاپ اول، ۱۴۰۳ ۱۱۰۰ نسخه

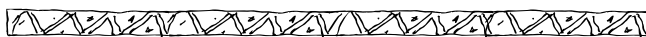
همه حقوق چاپ و نشر این اثر انحصاراً برای نشرکارنامه محفوظ است.
هرگونه استفاده از کتاب آرایشی و عناصر آرایشی این کتاب اکیداً ممنوع است. همچنین هر نوع استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن به هر صورت (چاپ، فتوکپی، کتاب صوتی و الکترونیک و نشر در فضای مجازی)، کلاً و جزئاً، ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

مراکز پخش و فروش:

پخش کارنامه، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، شماره ۱۳۵، تلفن: ۰۲۶۱۱۷۹۸۵، ۰۲۶۱۱۷۹۸۶ و ۰۹۱۲۶۴۳۹۱۵۱
فروشگاه بزرگ شهر کتاب نیاوران با همکاری نشرکارنامه، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، شماره ۱۳۷
تلفن: ۰۲۲۲۸۵۹۶۹ • فکس: ۰۲۲۸۰۸۱۹۲

نشرکارنامه: خیابان کریم خان زند، تقاطع میرزای شیرازی، شماره ۱۱۱، واحد یک، تهران: ۰۲۶۱۱۷۹۸۵۷۳۶، تلفن: ۰۸۸۹۰۴۰۸۳
www.kanamehpub.com

این کتاب ترجمه بخش هایی از اثر زیر است:
The Decline and Fall of Practically Everybody
by
William Cuppy



فهرست

مقدمه ۱۵

خٲوپس يا خوفو ۲۱



پريكلس ۳۹



اسكندر كبير ۵۳



هانيبال ۶۵



كلٲوپاترا ۷۹



نرون ۹۱



آتیل ۱۰۵



کریستف کلمب ۱۱۷



لوکرتزیا بورجا ۱۲۹



فردریک کبیر ۱۴۵



کاترین کبیر ۱۵۷



پتر کبیر ۱۷۳



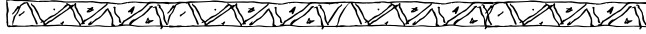
شارلمانی ۱۸۹



ساوونارولا ۲۰۷



نور محمدی
نور محمدی
نور محمدی
نور محمدی
نور محمدی



مقدمه

می‌گویند از تخصص‌های گوناگون احمد شاملو یکی هم این است که می‌تواند هر مجله تعطیلی را دایر و هر مجله دایری را تعطیل کند. این کار را شاملو به کمک معجون خاصی انجام می‌دهد که ترکیبات آن در هر دو مورد کم و بیش یکی است و غالباً به این قرار است: عروسی خونِ فدریکو گارسیا لورکا، یک نوبت؛ نطق جایزه نوبل آلبر کامو یا افسانه سیزیف، یک نوبت؛ شعر تی. اس. الیوت، سه نوبت؛ شعر اِزرا پاوند، هشتاد نوبت؛ بحثی درباره دستور زبان فارسی به قلم خود شاملو و کتاب کوچه و کاریکاتورهای قدیمی استاینبرگ و دوبو، به مقدار کافی. هیچ مجله‌ای تاکنون نتوانسته است در برابر این معجون مقاومت کند؛ به این معنی که اگر تعطیل بوده فوراً دایر و اگر دایر بوده فوراً تعطیل شده است.

برای نویسنده این سطور روشن نیست که در سال ۱۳۴۷ شاملو سرگرم دایر کردن مجله خوشه بود یا تعطیل کردن آن. آنچه مسلم است شاملو در مجله خوشه کار می‌کرد، و لذا باید به یکی از این دو کار سرگرم بوده باشد. از آن‌جا که اکنون مدت‌هاست مجله خوشه در محاق تعطیل به سر می‌برد، می‌توان تصور کرد که در سال مورد

بحث شاملو در حقیقت مشغول تعطیل کردن مجله بوده است. از طرف دیگر، چون قبل از سال مورد بحث هم باز خوشه مدتی در محاق تعطیل به سر می‌برد، به آسانی می‌توان نتیجه گرفت که شاملو در آن موقع مشغول دایر کردن مجله بوده است. این ظاهراً از آن موارد نادری است که دیالکتیک هگل راست درمی‌آید و جمع اضداد واقع می‌شود. به عبارت ساده‌تر، می‌توان گفت که شاملو در آن واحد مشغول دایر کردن و تعطیل کردن مجله خوشه بوده است؛ و به کسانی که ممکن است تصور این قضیه برای‌شان دشوار باشد می‌توان یادآور شد که هر مجله‌ای، ولو خوشه، برای آن‌که بتواند تعطیل شود ناچار باید قبلاً دایر شده باشد، و لذا دایر کردن و تعطیل کردن مجلات متقابلاً با یکدیگر مرتبط و بر یکدیگر متکی هستند.

اما در این مورد خاص ظاهراً اشکال کار در این بود که چون خوشه با همان معجون سابق‌الذکر دایر شده بود، تعطیل آن با عین همان معجون به آسانی میسر نمی‌نمود. به این جهت شاملو به حکم سابقه دوستی قدیمی که با نویسنده این سطور دارد، در مقام چاره‌جویی به او مراجعه کرد. بر حسب اتفاق، نویسنده این سطور در آن موقع مشغول خواندن کتابی بود تحت عنوان انحطاط و سقوط غالب اشخاص به قلم یک نویسنده شهیر امریکایی به نام ویل کاپی. به محض طرح شدن مسئله از جانب شاملو، نویسنده این سطور به فراست دریافت که اگر چند قطعه از کتاب مزبور در خوشه درج شود مقصود حاصل خواهد شد، و این کار را به شاملو پیشنهاد کرد. شاملو هم از آن‌جا که در کار تعطیل نشریات دارای شِم قوی و تجربه فراوان است فوراً نکته را دریافت و پیشنهاد را مورد استقبال قرار داد. بدین ترتیب، نقشه جامه عمل پوشید و مجله خوشه در ظرف مدت کوتاهی به صورتی که ملاحظه می‌کنید درآمد...

کتاب حاضر تجدید چاپ همان قطعات است. تجدید نظر مختصری هم در آن‌ها به عمل آمده تا عدم انطباق‌شان با شرایط زمانی و مکانی

کامل شود؛ و به خصوص تصرفات سردبیر مجله، که در آن موقع صرفاً به منظور تقویت تأثیر خاص آن در معجون مورد بحث انجام گرفته بود، اکنون که آن قضیه منتفی است، حذف شده است. دو قطعه جدید هم به قطعات سابق علاوه شده است؛ قطعات جدید عبارت‌اند از «خثوپس یا خوفو» و «پریکلس». ابتدا در نظر بود که قطعات بیشتری علاوه شود، ولیکن چون پاره‌ای از اشخاص محترم در این‌گونه موارد استعداد خاصی برای جریحه‌دار ساختن احساسات خود نشان می‌دهند، از این کار صرف نظر شد؛ به این امید که قطعات ناچیز حاضر برای حصول منظور فوق کافی باشند.

انتشار این کتاب فرصت مساعدی است برای همه کسانی که احیاناً همیشه منتظر بوده‌اند نویسنده این سطور خود را در وضع نامساعدی قرار دهد؛ زیرا که در این کتاب مترجم نه تنها اصل امانت در ترجمه را زیر پا گذاشته، بلکه در حقیقت می‌توان گفت که به هیچ اصلی پایبند نمانده است. در کتاب حاضر، چنان که اشاره شد، قطعات فراوانی از متن اصلی ساقط شده، سهل است، در قطعات ترجمه شده نیز جملات و عبارات فراوانی از قلم افتاده و به جای آن‌ها، یا حتی در جاهای نامربوط دیگر، جملات و عبارات جعلی فراوانی گنجانیده شده است که به علت جعلی بودن در متن اصلی به هیچ وجه دیده نمی‌شوند. همچنین در ضبط فارسی اعلام تاریخی و جغرافیایی هیچ قاعده معینی جز سلیقه شخصی رعایت نشده و معادل لاتینی اعلام نیز در پای صفحات نیامده. در عوض فضای گران‌بهای پای صفحات به توضیحات غیر لازم اختصاص یافته است که غرض از آن‌ها، نه تنها برای خوانندگان بلکه برای خود مترجم نیز، روشن نیست. به علاوه، مترجم چه در مقدمه کتاب و چه در پشت جلد از آوردن شرح حال مؤلف، ولو به اختصار، به منظور روشن کردن ذهن خوانندگان، غفلت ورزیده، به طوری که خوانندگان ناچار خواهند بود طبق معمول با ذهن تاریک به خواندن کتاب بپردازند، و

با این کیفیت معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظارشان خواهد بود. از همه این‌ها گذشته، مترجم اسم کتاب را هم بدون ضرورت خاصی تغییر داده و در نتیجه ناچار شده است اسم دیگری روی کتاب بگذارد که با عنوان اصلی فرق دارد، مضافاً به این‌که ممکن است فکر و حواس خوانندگان زیرک را هم به طرز غیرلازمی پرت کند. به این ترتیب می‌بینیم که مترجم خود را مستوجب انواع و اقسام انتقادات و حملات جوانمردانه و ناجوانمردانه ساخته است و معلوم نیست چه نیرویی خواهد توانست او را از ورطه نیستی نجات بخشد.